

نقد و بررسی منابع سیره نبوی

جمعی از مؤلفان

تألیف و تدوین و تصحیح و تنظیم
جمعی از نویسندگان



نقد و بررسی

منابع سیره نبوی

سیاوش یاری

یکی از کارهای مهم، مفید و ضروری در زمینه تاریخ اسلام نگارش کتابی در مورد منابع تاریخ اسلام و نقد و بررسی این منابع می‌باشد. فقدان چنین اثری باعث شده که اکثر افرادی که درباره تاریخ اسلام دست به تألیف می‌زنند به تمامی منابع تاریخی، کلامی و فقهی مرتبط با آن اشراف و آگاهی نداشته باشند. همین امر از طرف دیگر موجب شده است که اکثر مطالب کتاب‌هایی که درباره تاریخ اسلام تألیف گردیده، تکراری و فاقد طراوت و تازگی علمی لازم باشند. نویسندگان شیعی بیشتر به منابع شیعی توجه کرده و حتی گاهی از نام و نشان منابع اهل سنت نیز بی‌خبرند و نویسندگان اهل سنت که بیشتر در کشورهای عربی دست به تألیف زده‌اند به روایات و منابع شیعی توجهی نکرده‌اند. بدون شک کار هر دو گروه دچار نقص است. از این جهت حقایق تاریخ اسلام بعضاً مجهول مانده است لذا با تحقیقات انجام گرفته کنونی، تبیین وقایع تاریخ اسلام و اهداف سیاسی، دینی، علمی، اقتصادی و اجتماعی پیامبر (ص) کاری غیرممکن است. اولین قدم در جهت رفع نقیصه موجود، نگارش کتابی در زمینه منابع تاریخ اسلام و حداقل معرفی و نقد اجمالی آنها می‌باشد. البته در نگارش این کتاب ابتدا باید محدوده زمانی تاریخ اسلام که حداقل تا پایان و سقوط امپراتوری عثمانی را دربر می‌گیرد تقسیم‌بندی نمود سپس منابع مربوط به هر دوره را مورد نقد و بررسی قرار داد.

تصور می‌کنم کتابی که در این نوشتار مورد بررسی قرار می‌گیرد در جهت رفع مشکل فوق‌الذکر نگارش یافته و هدف آن این بوده است که حداقل منابع مربوط به بخشی از تاریخ صدر اسلام - عصر رسول‌الله (ص) - را معرفی و نقد نماید. لذا در وهله اول بایست گفت که این امر قدمی نیکوست و شایسته تقدیر و توجه است. در این مقاله معرفی و بررسی کتاب به دو صورت زیر انجام می‌گیرد:

الف - نگاهی اجمالی به کتاب و روش و موضوع آن.

در این مورد می‌بایست گفت که این کتاب مجموعه مقالاتی - چهارده مقاله - در مورد موضوعات و کتاب‌هایی است که در مورد سیره رسول خدا (ص) نوشته شده است. آنچه که در نگاه اول می‌توان گفت این است که در این کتاب تمامی و یا حتی بیشتر منابع مربوط به سیره، مورد نقد و بررسی قرار نگرفته‌اند و لذا بهتر بود که دست‌اندرکاران آن، عنوان «مدخلی» یا «مقدمه‌ای» بر نقد و بررسی منابع سیره نبوی بر آن می‌نهادند. چرا که عنوان کتابی که تنها ده کتاب در زمینه سیره مورد بررسی قرار داده است نمی‌تواند نقد و بررسی منابع سیره نبوی باشد. اشکال دیگری که از لحاظ روش تحقیق به آن وارد است این است که ترتیب مقالات

نظم منطقی درستی ندارند. بهتر بود مقالاتی که جنبه مقدماتی و حاشیه‌ای داشتند در ابتدای کتاب آورده می‌شد و سپس به اصل مطالب که همانا بررسی و نقد کتاب‌هایی در مورد سیره نبوی است پرداخته می‌شد. به نظر می‌رسد که موضوع و محتوای حداقل یک مقاله آن - مقاله اول - ارتباط مستقیمی با سیره نبوی نداشته باشد و در واقع باید آن را سیره علوی دانست و در مجامع علمی نیز این تقسیم‌بندی به رسمیت شناخته شده است.

اما از جمله مزیت‌های این تألیف آن است که خواننده با مراجعه و مطالعه این اثر فضایی تألیفات سیره نبوی را به خوبی درک کرده و در جریان کم و کیف مهمترین منابع سیره نبوی قرار می‌گیرد. از دیگر مزایای کتاب این است که منابع اهل سنت و تشیع هر دو بدون هیچگونه غرض و تعصبی مورد نقد و بررسی قرار گرفته‌اند. از طرف دیگر در پایان کتاب بیش از پانصد کتاب در مورد پیامبر اسلام (ص) معرفی شده است که می‌تواند راهنمای اولیه برای هر محقق که قصد تحقیق در مورد تاریخ اسلام را دارد باشد و این کار نشانه تلاش و زحمت فراوان و خالصانه دست‌اندرکاران این کتاب در جهت خدمت به جامعه علمی و اهل تحقیق است.

ب - معرفی و بررسی موردی مقالات

مقاله اول - «نقش تاریخی امام علی بن ابی‌طالب در زمان پیامبر (ص) از نگاه ابن اسحاق و ابن هشام» رسول جعفریان.

همان‌طور که گفته شد این مقاله در مورد سیره علوی است و لذا شاید بهتر بود که حداقل در اول کتاب قرار نمی‌گرفت. البته اگر به صورت کلی به قضایا نگاه شود، شاید بتوان آن را به نحوی جزء سیره نبوی دانست ولی به طور مستقیم و به خصوص آنچه در محتوای مقاله دیده می‌شود نه سیره نبوی بلکه سیره علوی است. در این مقاله این اتهام که ابن اسحاق و یا ابن هشام عامدانه به حذف مطالبی در مورد علی (ع) اقدام کرده باشند تا حدود زیادی مردود شمرده شده است. مؤلف این دو را واقع‌نگر در مسائل تاریخی دانسته و آنچه را که ابن هشام حذف نموده بیشتر ناشی از مسائل فنی روایت دانسته تا اغراض دینی و سیاسی.

مقاله دوم - ابن عبدالبر اندلسی (۲۶۸-۴۶۳ هـ) / ۹۷۸-۱۰۷۰ م) و سیره نبوی، مروری بر دو کتاب الدرر فی اختصار المغازی والسير، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب / رسول جعفریان.

مؤلف در مقاله مذکور مباحثی در خصوص چگونگی نگارش سیره در اندلس، توضیح و تشریح مباحث و موضوعات کتاب‌های الدرر فی اختصار المغازی والسير والاستیعاب فی معرفه الاصحاب و منابع دو کتاب مذکور

- نقد و بررسی منابع سیره نبوی
- تألیف: جمعی از مولفان زیر نظر حجت‌الاسلام رسول جعفریان
- ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)
- چاپ اول، ۱۳۷۸، ۴۲۴ ص، بها ۱۰۰۰۰ ریال

آورده است. بنا بر محتوای این مقاله به طور کلی نگارش سیره در اندلس با تکیه بر منابع شرق اسلامی صورت گرفته است و کتاب‌های فوق‌الذکر نیز از این امر مستثنی نیستند. از دیگر مباحث مهم این نوشتار ارائه روش ابن‌عبدالبرّ در نگارش کتب خود در زمینه سیره می‌باشد.

مؤلف مهمترین نکاتی که ابن‌عبدالبرّ در نگارش سیره خود به کار برده بیان کرده است. آثار ابن‌عبدالبرّ از جمله نخستین آثاری است که اندلسی‌ها درباره سیره نوشته‌اند، بنابراین معرفی و نقد این آثار از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در انتهای این مقاله حدود ده صفحه نیز به معرفی و بررسی کتاب حجه‌الوداع نوشته ابن حزم اندلسی اختصاص دارد که در عنوان مقاله به آن اشاره نشده است. شاید بهتر بود که نقد این کتاب خود به عنوان مقاله‌ای جداگانه محسوب می‌گردید.

مقاله سوم - نقش خاندان زبیر در تدوین سیره نبوی / محمدرضا هدایت‌پنا.

در این مقاله به بررسی دیدگاهها و نقش خاندان زبیر در تدوین سیره نبوی پرداخته شده است. مؤلف در ابتدا ضمن طرح مسئله، شرح حال زندگی و آثار ۲۰ نفر از آل زبیر را به اختصار آورده است. آنگاه با ارائه جداولی به صورت منظم و دقیق سهم روایات آل زبیر در سیره نبوی را بیان کرده است. از دیگر مطالب آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- منابع اصلی اخبار آل زبیر
- ۲- فهرست عناوین اخبار آل زبیر در منابع
- ۳- تحریفات آل زبیر در سیره نبوی.

مقاله چهارم - بررسی دیدگاههای واقدی و ابن‌سعد در روایت سیره / شهلا بختیاری.

مؤلف در این نوشتار به بررسی دیدگاههای واقدی و ابن‌سعد در روایت سیره پرداخته و همان طور که خود اشاره کرده است هدف وی تبیین روشهای واقدی و ابن‌سعد در نگارش سیره و بیان تفاوت شیوه‌های آنها، روشن ساختن شباهت‌های مربوط به سبک و روش آن دو، تلاش برای یافتن میزان تأثیر احتمالی زمان در دیدگاه و نگارش آنان و میزان پایبندی آنان به سبک نوشتاری زمان است. در مقاله مذکور ابتدا شرح حال واقدی و زندگی علمی وی بیان شده و سپس دیدگاه تاریخی و آثار او ارائه می‌شود و پس از آن نظر مورخان درباره وی که برخی او را ستایش کرده و گروهی او را مردود شمرده‌اند آمده ولی استنتاجی صورت نگرفته است.

در مورد ابن‌سعد نیز به همین صورت عمل شده است. در قسمت آخر مقاله نیز مقایسه‌ای بین واقدی و ابن‌سعد صورت گرفته که تأکید نویسنده بر این است که ابن‌سعد بیشتر همان مطلب استاد خویش را بیان

مجموعه مقالاتی - چهارده مقاله - در مورد موضوعات و کتاب‌هایی است که در مورد سیره رسول خدا (ص) نوشته شده است

از جمله مزیت‌های این تالیف آن است که خواننده با مراجعه و مطالعه این اثر فضای تالیفات سیره نبوی را به خوبی درک کرده و در جریان کم و کیف مهمترین منابع سیره نبوی قرار می‌گیرد

کرده - به خصوص در مغازی - ولی آنها را تلخیص نموده است. ارائه تفاوت‌های این دو سیره‌نویس بزرگ در شیوه و روش کار و محتوای مطالب از دیگر قسمت‌های این گفتار است.

مقاله پنجم - تحقیقی درباره کتاب ابن اسحاق / عبدالعزیز الدوری، ترجمه شهلا بختیاری.

نویسنده مقاله پس از ذکر اسامی محققان در کشورهای عرب و اروپایی و آثار آنها درباره ابن اسحاق می‌گوید: «در این مقاله کوشش شده است تا از بعضی مطالب مربوط به زندگی ابن اسحاق و سیره او بحث شود. بعد از ارائه مختصری از زندگی او به علل اختلاف گروهی از اهالی مدینه با او و خروجش از آنجا و ارتباط آن با روش او در بررسی تاریخ پرداخته‌ایم تا چارچوبی را که او برای سیره و محتوای آن داشته مشخص کنیم. هم‌چنین از روش ابن اسحاق و شیوه تاریخی او در سیره بحث می‌کنیم و سپس نقش ابن هشام را در تهذیب سیره ابن اسحاق بیان خواهیم کرد.»

این مقاله را می‌توان جدیدترین مقاله درباره سیره ابن اسحاق دانست که از جهات مختلف ابن اسحاق و سیره او را مورد بررسی قرار داده است. نویسنده بر این نظر است که ابن اسحاق دو کتاب یکی در مبتدأ و دیگری در مغازی نوشته و درست نیست که مبتدأ، مبعث و مغازی را مباحث سه‌گانه سیره او بدانیم.

نویسنده اضافه می‌کند: ابن اسحاق در تحقیقات خود به روش مکتب تاریخی مدینه پایبند نبود، بلکه مواد خود را از مردمان متفاوت ساکن نواحی مختلف جمع‌آوری کرده و با اهتمام به تاریخ قبل از اسلام، کتاب خود را گرد آورده است و از اسرائیلیات و داستانهای عربی قدیم و قصه‌های قصه‌گویان و داستان‌های قومی و احادیث مواردی را برگرفته است. هم‌چنین از آیات قرآنی و حتی شعر به منظور موق

کردن سخن خود بهره برده است.

مقاله ششم - سیره پیامبر (ص) در صحیح بخاری / منصور داداش‌زاده.

نویسنده ابتدا اصطلاح «مغازی» و اصطلاح «سیر» را مورد بررسی قرار داده و معنی و مفهوم این دو را روشن می‌کند. او بر این نظر است که بیشتر علمای قدیم این دو را بر یک مفهوم به کار برده‌اند، گرچه اصطلاح سیره عام‌تر است. مؤلف سپس به ویژگی‌های روش کتب حدیث در ارائه روایات که بخاری نیز در صحیح خود از آن بهره برده اشاره کرده است که مهمترین این ویژگی‌ها، تکیه بر سند، نگرش فقهی و اهتمام به مسائل حاشیه‌ای می‌باشد.

تکیه بر روشهای فوق باعث شده که بخاری در صحیح خود به بسیاری از مسائل تاریخی توجه نکرده و در عوض برخی احادیث ساختگی را به صرف وجود سند یا راوی آن در اثر خود وارد کند. این در صورتی است که از بسیاری حوادث و وقایع به صرف اینکه اسناد و راویان آنها را نمی‌دانسته چشم‌پوشی کرده است. مثلاً او فقط ۴۵ تن از ۳۱۰ نفر شرکت‌کننده در جنگ بدر را نام می‌برد و یا فقط چهار تن از شهدای بدر را ذکر نموده و بقیه را به صرف فقدان سند و راویان رها کرده است. در صورتی که سیره ابن اسحاق را در دسترس داشته که به همه اینها در آن اشاره شده است. البته او در مسائل تاریخی که کاربردی جهت استنباط شرعی نداشته این شیوه را استفاده نکرده است.

مؤلف مقاله در ادامه به کتاب‌هایی که بخاری از آنها استفاده کرده و موضوعاتی که وی روایاتی در مورد آنها دارد اشاره می‌کند. این بخش از مقاله برای استفاده محققین و دسترسی آسان آنها به مطالب مربوطه بسیار مفید می‌باشد.

مقاله هفتم - روایات تاریخی واقدی در انساب الاشراف بلاذری / حسین حسینیان مقدم.

هدف مؤلف از نگارش این مقاله، شناخت منابع اولیه و ارزیابی تأثیر و تأثر آنها به منظور شناخت و تحلیل صحیح سیره نبوی در قالب بررسی مورد فوق‌الذکر می‌باشد.

بنا به نوشته خود مؤلف با تطبیق روایات واقدی در دو کتاب انساب الاشراف و طبقات الکبری ضمن پرداختن به سهم واقدی در تبیین حوادث عصر نبوی به شواهدی اشاره می‌کند که نشان می‌دهد بلاذری جز در موارد اندک بدون واسطه از تالیفات واقدی استفاده کرده است. از دیگر مباحث این مقاله شرح حال بلاذری و آثار او و نحوه اخذ اطلاعات در آثار وی است که به دو صورت یکی نقل قول از گوینده مشخص و دیگر نقل سند بدون ذکر واسطه می‌باشد.

در پایان مقاله نیز یک جدول دوازده صفحه‌ای تحت عنوان «جدول تطبیقی روایات واقدی در انساب

در پایان کتاب
بیش از پانصد کتاب در مورد
پیامبر اسلام (ص) معرفی شده است
که می‌تواند راهنمایی اولیه برای
هر محققی که قصد تحقیق در مورد
تاریخ اسلام را دارد، باشد

مورد بررسی قرار گرفته تقریباً سه برابر کتابهایی است که در اصل کتاب مورد بررسی قرار گرفته است. به جز یک مورد تمام کتاب‌هایی که مورد نقد و بررسی قرار گرفته‌اند از نویسندگان عرب و عموماً از تحقیقات جدید می‌باشند. می‌توان گفت به خوبی در یک مقاله به چنین امری پرداخته و هر مراجعه‌کننده‌ای می‌تواند به سرعت و سهولت شناخت نسبتاً خوب و مختصری از این کتاب‌ها پیدا کند.

مقاله سیزدهم - منابع ابن کثیر در نگارش سیره نبوی / مسعود الرحمان خان ندوی، ترجمه رسول جعفریان.

اسماعیل بن عمر بن کثیر قرشی معروف به ابن کثیر دمشقی حنبلی (۷۰۱-۷۷۴ هـ) از مورخان و عالمان قرن هشتم هجری است که آثار فراوانی از خود بر جای گذاشته است. معروفترین کتاب او البدایه و النهایه است که یک دوره عمومی تاریخ جهان پیش از اسلام و تاریخ دوره اسلامی به صورت سالشمار است. ابن کثیر این اثر را برپایه تواریخ فراوانی که پیش از وی تألیف شده نگاشته است.

بخش سیره نبوی این کتاب به صورت جداگانه و با عنوان الفصول فی سیره الرسول به چاپ رسیده است. بخش مفصل شمائل رسول الله (ص) و دلائل النبوه و فضائله و خصائله هم به طور جداگانه انتشار یافته است، از آنجایی که ابن کثیر اولاً حنبلی و ثانیاً از علاقمندان این تئیمیه است مواضع ضد شیعی آشکاری دارد. راویان و منابعی که ابن کثیر در کتاب خود در قسمت سیره نبوی از آنها بهره برده و نویسنده مقاله به کم و کیف آنها اشاره کرده است عبارتند از:

- ۱- سیره ابن اسحاق یا تهذیب شده آن یعنی سیره ابن هشام
- ۲- تاریخ طبری
- ۳- روض الانف سهیلی
- ۴- عروه بن زبیر (۲۳ تا ۹۴ هـ)
- ۵- ابن شهاب زهری (۵۸-۱۲۴ هـ)
- ۶- موسی بن عقبه (متوفی ۱۴۱ هـ)
- ۷- محمد بن عمر و اقدی (۱۲۰ تا ۲۰۷ هـ)
- ۸- دلائل النبوه بیهقی
- ۹- مغازی ابن عائذ دمشقی (۱۵۰-۲۳۳ هـ)
- ۱۰- احکام الکبیر ضیاءالدین محمد بن عبدالواحد مقدسی (۵۶۹-۶۴۳ هـ)

۱۱- طبقات الکبری ابن سعد (۱۶۸-۲۳۰ هـ)

مقاله چهاردهم - فهرست کتاب‌های سیره کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران / رسول جعفریان. در این فهرست بیش از پانصد کتاب در زمینه سیره با مشخصات آنها نام برده شده که می‌تواند منبع بسیار مفیدی برای محققان و علاقه‌مندان به تحقیق درباره سیره پیامبر (ص) باشد.

الاشراف و طبقات الکبری «آمده است که کاری کم نظیر و بسیار مفید می‌باشد و محققان با استفاده از آن می‌توانند به بسیاری از اطلاعات و اخبار که با ذکر صفحه، جلد و... ارائه شده دسترسی پیدا کنند.

مقاله هشتم - مغازی موسی بن عقبه و مقایسه آن با سیره ابن اسحاق / حسین مرادی نسب

بنا به نوشته نویسنده، تلاش وی در این مقاله آن است که مغازی موسی بن عقبه را که در حال حاضر متن اصلی آن در دست نیست، مورد بررسی قرار دهد. تنها متنی که از موسی بن عقبه برجای مانده منتخبات روایاتی است که خطیب بغدادی روایت کرده و سلسله سند آن را به برادرزاده وی یعنی اسماعیل بن ابراهیم بن عقبه رسانده است. این متن را مستشرق معروف زاخو در سال ۱۹۰۴ میلادی چاپ کرده است.

نویسنده مقاله ابتدا مطالبی در مورد شرح حال موسی بن عقبه و اعتبار وی نزد محدثان آورده و پس از آن شاگردان وی را نام برده است. در ادامه نیز مواردی از کتاب موسی بن عقبه که به عنوان منبع مورد استفاده دیگران قرار گرفته است ذکر می‌کند. وی این موارد را با ذکر نام کتاب، نویسنده، جلد و صفحات مورد نظر می‌آورد. پس از آن مباحثی از مغازی ابن عقبه که در سیره ابن اسحاق وجود ندارد بیان می‌شود. در انتها نیز به موارد مشابه و مورد اختلاف در دو کتاب مغازی ابن عقبه و سیره ابن اسحاق اشاره می‌کند.

مقاله نهم - اصطلاحات تاریخنگاری در طبقات الکبری / محمود حیدری هانی.

بنا به نوشته مؤلف، اصطلاحاتی در طبقات ابن سعد وجود دارد که دقت در آنها می‌تواند ما را با نحوه نگرش مسلمان به دانش سیر، مغازی، تاریخ و تراجم و شرح حال کمک کند. در این مقاله به ذکر اسامی برخی اصحاب پیامبر (ص)، تابعین و عالمان و اصطلاحاتی که در ذیل آنها به نوعی به کار برده شده اشاره می‌کند و اصطلاحات بیشتر القاب و عناوین علما و رشته‌ای که در آن تبحر داشته‌اند می‌باشد. به نظر می‌رسد که برعکس آنچه که مؤلف اظهار داشته، دانستن این اصطلاحات که خیلی هم جنبه تاریخنگاری ندارند، کمک زیادی به نحوه نگرش، به دانش‌های مربوط نخواهد کرد.

مقاله دهم - منبع شناسی صحابه، الاصابه فی تمییز الصحابه / شاکر محمود عبدالمنعم، ترجمه محمود سامانی.

مؤلف در این مقاله به بررسی کتاب الاصابه فی تمییز الصحابه تألیف ابن حجر عسقلانی (۷۷۳-۸۵۲ هـ) که شرح حال حدود دوازده هزار صحابی اعم از زن و مرد را دربر دارد می‌پردازد. در مورد تراجم صحابه چند کتاب بیشتر نوشته نشده است که از جمله می‌توان به اسدالغابه فی معرفه الصحابه ابن اثیر، معرفه الصحابه



در مقاله اول
این اتهام که ابن اسحاق و یا ابن هشام
عامدانه به حذف مطلبی در مورد علی (ع)
اقدام کرده باشند،
تا حدود زیادی مردود شمرده شده است

ابونعمین اصفهانی و الاستیعاب فی معرفه الاصحاب ابن عبدالبر اشاره کرد که در این میان اثر ابن حجر از همه جامعتر و مفصل‌تر است. نویسنده مقاله ضمن شرح حال نویسنده به انگیزه‌های وی از تدوین اثر خود، سبک و شیوه کار وی و منابع و مصادر مورد استفاده‌اش اشاره می‌کند.

مقاله یازدهم - نقد و بررسی سفر پیامبر اکرم (ص) به شام / رمضان محمدی.

تلاش نویسنده در این مقاله یافتن پاسخی برای این سؤال است که آیا در روایات دوران طفولیت حضرت محمد (ص) و یا قبل از بعثت آن حضرت، رنگ داستانی بر جنبه تاریخی غلبه پیدا کرده است یا خیر؟ وی نقد خود را در دو قسمت نقد سندی و اشکال محتوایی مطرح و به طور کلی تفصیل روایات مربوط به سفر اول پیامبر (ص) در دوران کودکی به شام را مورد شک و تردید جدی قرار داده است و می‌نویسد: «تنها چیزی که در این نقل‌ها قابل قبول است اصل سفر به شام است و بس. راجع به سفر دوم پیامبر (ص) نیز به طور مختصر سخن می‌گویم و چگونگی انجام سفر و حتی اصل آن را مورد تردید قرار می‌دهم. این درحالی است که برخی از محققان جدید، حتی اصل سفر اول به شام را نمی‌پذیرند و آن را ساختگی و جعلی می‌دانند.

مقاله دوازدهم - کتاب‌شناسی نظام حکومت پیامبر (ص) / قاسم خانجانی.

در این مقاله، نویسنده ۲۹ کتاب را که به نوعی در ارتباط با نظام اداری، سیاسی، نظامی و اقتصادی در عهد رسول خدا (ص) بوده‌اند مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد و این کار را به خوبی ولی به طور خلاصه انجام داده است و درواقع این مقاله نسبت به اصل کتابی که مورد نقد و بررسی قرار گرفته، کتابی در داخل کتاب می‌باشد و تعداد کتابهایی که در این مقاله